

در جریان نبرد ۱۲روزه میان ایران و اسرائیل، که با تبادل حملات مستقیم و پاسخ‌های مرکز مقاومت همراه بود، نقش فعال و هماهنگ یمن در عرصه میدانی نشان داد که جنبش انصارالله نه نیرویی «حیاتی»، بلکه همه‌پیمانی استراتژیک برای ایران در تقابل با رژیم اسرائیل به شمار می‌رود. هماهنگی دقیق حملات یمنی‌ها با تحرکات دیگر جبهه مقاومت اثبات کرد که سطح همکاری‌ها از چارچوب «بروکسنسی‌گری» گذشته و به یک اتحاد ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک ارتقا یافته است؛ اتحادی که براساس اشتراک در اهداف استراتژیک و دشمن مشترک شکل گرفته و در عمل نیز خود را به روشنی نشان داده است. جالب توجه است که در پی تازه‌ترین دور از عملیات‌های مقاومت یمن علیه اهداف حساس در اراضی اشغالی فلسطین، رسانه‌های عبری‌زبان گزارش داد که انصارالله یمن حملات به رژیم صهیونیستی را در ادامه راه جمهوری اسلامی ایران از سرگرفته است.

در فضای متلاطم و پیچیده غرب آسیا، رویدادهای اخیر مربوط به حملات موشکی و پهنادی نیروهای مسلح یمنن به مناطق تحت اشغال، نشان‌دهنده گذار مقاومت‌های منطقه‌ای از واکنش‌های نمادین به مرحله‌ای استراتژیک تحت عنوان «بازدارندگی فعال». آنچه این عملیات را در حوزه جنگ‌های ترکیبی و نامتقارن منطقه‌ای متمایز می‌کند، صرفاً یسرد یا میزان تخریب موشک‌های بالستیک نیست، بلکه به پیچیدگی‌های اطلاعاتی، هماهنگی دقیق بین نیروها و هدف‌گیری هوشمندانه مربوط می‌شود؛ موضوعی که نشانگر پیشرفت چشمگیر در قابلیت‌های اطلاعاتی و امنیتی یمن است. ستونگوی ارتش یمن با اشاره به «هماهنگی با نیروهای ایرانی»، از شکل‌گیری یک شبکه هوشمند اطلاعاتی و امنیتی در محور مقاومت خبر می‌دهد که با بهره‌برداری از نقاط ضعف ساختاری در سیستم امنیتی رژیم، توانسته عملیات‌هایی هدفمند و مؤثر را در عمق سرزمین‌های اشغالی طراحی و به اجرا بگذارد.

بازیگر تازه وارد

در دو دهه گذشته، تحولات غرب آسیا به شدت تحت تأثیر گروه‌ها و جریان‌هایی بوده که توانستند موازنه قوا را در برابر رژیم صهیونیستی تغییر دهند. نیروهایی مثل حزب‌الله لبنان، حماس فلسطین و حشدالشعبی عراق، هر کدام به نحوی ویژه و متناسب با شرایط خاص منطقه، نقش کلیدی در مقاومت علیه اشغالگری و تجاوزات این رژیم ایفا کرده‌اند. این جریان‌ها، با ایجاد شبکه‌های مردمی و مبارزات مداوم در میدان‌های مختلف، توانستند وزن قابل توجهی در تحولات سیاسی و امنیتی منطقه پیدا کنند.

حزب‌الله لبنان، با رهبری قوی خود، نه‌تنها به یک نیروی نظامی کارآمد بدل شده، بلکه از طریق دیپلماسی و فعالیت‌های سیاسی نیز جایگاهی برجسته در منطقه یافته است. در فلسطین، حماس به عنوان نیروی اصلی مقاومت، همواره به دفاع از حقوق مردم فلسطین، به‌ویژه در نوار غزه پرداخته و حمایت گسترده‌ای از سوی ملت‌های مسلمان و آزادی‌طلب کسب کرده است. در عراق نیز حشدالشعبی با همکاری نزدیک با ارتش این کشور، نقش مهمی در مقابله با تهدیدات تروریستی و حفظ امنیت ملی ایفا کرده است.

اما نقطه عطفی که در سال‌های اخیر جلب توجه کرده، ظهور یک نیروی جدید و قدرتمند به نام انصارالله یمن است؛ گروهی که در ابتدا کمتر تصور می‌شد بتواند جایگاهی تعیین‌کننده در معادلات منطقه‌ای داشته باشد. در زمانی که ساختارهای سنتی مقاومت با مشکلات داخلی و فشارهای بین‌المللی روبه‌رو بودند، انصارالله با ورود به میدان به عنوان بازیگر نظامی، سیاسی و اجتماعی مستقل، توانست جایگاه خود را تثبیت کرده و به شکلی مؤثر در برابر رژیم صهیونیستی و متحان آن ایستادگی کند و نقش جدیدی در محور مقاومت ایفا نماید.

دوران بحران‌های ساختاری

در جریان‌های مقاومت سنتی

نیروهای سنتی مقاومت، از جمله حزب‌الله لبنان، حماس فلسطین و حشدالشعبی عراق، در طول زمان با مشکلات و موانع متعددی مواجه شده‌اند که بر کارآمدی و نفوذشان تأثیر گذاشته است. این چالش‌ها عمدتاً ریشه در تحولات داخلی و شرایط پیچیده کشورشان دارد. برای مثال، حزب‌الله با وجود برخورداری از قدرت نظامی و سیاسی قابل توجه، در لبنان با بحران‌های اقتصادی و مسائل اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کند که در نهایت توانایی تأثیرگذاری آن را در سطح منطقه کاهش داده است. حماس نیز در حالی که تحت فشار نظامی رژیم اسرائیل قرار دارد، با محاصره اقتصادی و مشکلات داخلی نوار غزه مواجه است که محدودیت‌هایی در فعالیت‌هایش ایجاد کرده است.

از سوی دیگر، حشدالشعبی عراق پس از نقش برجسته خود در نابودی داعش، با چالش‌هایی از جانب گروه‌های سیاسی داخلی و دولت مرکزی مواجه شده که مانع از گسترش نفوذ و فعالیت‌های منطقه‌ای آن شده است. به طور کلی، این گروه‌های سنتی مقاومت در مواجهه با شرایط پیچیده داخلی و فشارهای خارجی، به بازیگری در استراتژی‌ها و شیوه‌های عملکرد خود نیازمند شده‌اند تا بتوانند جایگاه خود را حفظ و تقویت کنند.

نیروی نو ظهور یا نفوذی تازه در معادلات منطقه‌ای
در فضای پیچیده کنونی، انصارالله موفق شده است خود را به عنوان یک بازیگر مستقل و تأثیرگذار در جریان مقاومت معرفی کند. این گروه که در ابتدا جنبشی محلی با محوریت مسائل مذهبی و اجتماعی در یمن بود، با گذشت زمان و به‌خصوص پس از انقلاب ۲۰۱۱ و بحران‌های سیاسی و نظامی پس از آن، به نیرویی منسجم با هویت سیاسی و نظامی مشخص تبدیل شده است. در حالی که بسیاری از گروه‌های مقاومت در فشارهای داخلی و خارجی دست و پنجه نرم می‌کنند، انصارالله توانسته است استقلال خود را حفظ کرده و با قدرت در برابر دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مقاومت کند.

دریچه‌ای به جهان

khareji@kayhan.ir



فضای منطقه‌ای به رسمیت بشناسد. این رویکرد، برخلاف رابطه‌های صرفاً وابسته، موجب شده تا همکاری‌های دفاعی و تبادل فناوری‌های نظامی میان دو طرف به صورت تعاملی و مبتنی بر منافع مشترک پیش رود و بنیه دفاعی انصارالله به شکل قابل توجهی تقویت شود؛ موضوعی که توان مقاومت یمن را در مقابل حملات گسترده ائتلاف‌های خارجی افزایش داده است.

در سوی دیگر، روسیه نیز در سیاست خارجی خود به دنبال بازبانی جایگاه و نفوذ خود در منطقه غرب آسیا است و یمن به‌ویژه انصارالله را به عنوان کانونی مهم در استراتژی درباری سرخ مورد توجه قرار داده است. با انتقال کارشناسان نظامی از دمشق به صنعا و مذاکرات برای فراهم

کردن تجهیزات دفاعی پیشرفته به ویژه در حوزه ضدکشتی، مسکو نشان داده که قصد دارد با حمایت از انصارالله نفوذ خود را در این مسیر حیاتی افزایش دهد؛ مسیری که به دلیل کاهش حضور روسیه در سسوریه و تغییر موازنه‌های منطقه‌ای، اهمیت بیشتری یافته است.

از سوی دیگر، چین که به عنوان قدرت اقتصادی نوظهور در عرصه جهانی، منافع تجاری کلانی در مسیرهای حیاتی دریایی همچون باب‌المندب و دریای سرخ دارد، به دنبال حفظ ثبات و امنیت در این گذرگاه‌هاست. تعامل چین با انصارالله، بیشتر در قالب توافقات غیرنظامی و تأمین امنیت کشتیرانی تعریف شده و تلاش دارد از طریق همکاری‌های سیاسی و اقتصادی،

از بحران‌های احتمالی در این منطقه جلوگیری کند؛ امری که ضمن حفظ منافع اقتصادی یکن، موقعیت انصارالله را به عنوان یک بازیگر تأثیرگذار در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای تثبیت می‌کند.

تبعات این مقاومت نوظهور

به طور کلی، انصارالله با در اختیار داشتن هویتی مستقل و رویکردی استراتژیک، موفق شده است روابط متوازن و تأثیرگذاری با این قدرت‌های جهانی برقرار کند. این تعاملات نه‌تنها به افزایش



توانمندی‌های نظامی و سیاسی این گروه کمک کرده، بلکه جایگاه آن را به عنوان یک رکن کلیدی در سیاست‌های ژئوپلیتیکی غرب آسیا ارتقاء داده است. بنابراین، انصارالله فراتر از یک گروه نیابتی صرف، به عنوان یک بازیگر با نقش و هویت مستقل در صحنه بین‌المللی مطرح می‌شود که سیاست‌های منطقه‌ای را به سمت پیچیدگی و چندقطبی شدن پیش می‌برد.

حضور انصارالله در معادلات جدید سیاسی و امنیتی غرب آسیا تنها به جنبه‌های نظامی محدود نمی‌شود، بلکه از منظر اقتصادی نیز تحولات مهم سیاسی و توانمندی مدیریتی این جنبش داشت. در مارس ۲۰۱۵، ائتلافی به رهبری عربستان سعودی با هدف بازگرداندن دولت مستقر عدیره منصوره‌ای، عملیات نظامی «طوفان پاک‌سازی» را آغاز کرد، اما برخلاف انتظار سریع برای شکست انصارالله، این گروه مقاومت قوی نشان داد و حتی در جبهه‌های مختلف پیشروی کرد و پایه‌های مردمی خود را در سراسر یمن گسترش داد. این تحولات نشانه تغییر ماهیت انصارالله از یک نیروی محلی شبه‌نظامی به یک قدرت سیاسی نظامی مؤثر بود که ساختارهای حکومتی، رسانه‌ای و دفاعی مستقل خود را ایجاد کرده است.

در طول هشت سال جنگ مداوم، انصارالله از یک جنبش محلی به بازیگری برجسته تبدیل شد که با ترکیب فناوری‌های نوین پهپادی، توسعه صنایع دفاعی بومی، و استفاده از تاکتیک‌های پیچیده جنگ نامتقارن، توانسته است تهدیدی استراتژیک برای کشورهای منطقه به‌خصوص عربستان سعودی، امارات و رژیم صهیونیستی باشد. این گروه نه‌تنها از منظر نظامی بلکه از لحاظ سیاسی و اجتماعی نیز جایگاه خود را به عنوان یک نیروی کلیدی منطقه‌ای تثبیت کرده است. بدین‌ترتیب، انصارالله امروز بیش از یک گروه یمنی محلی، به بازیگر ژئوپلیتیکی فعال و تأثیرگذار در غرب آسیاست که توانسته است با بومی‌سازی قدرت، حفظ هویت فرهنگی و مدیریتی هوشمندانه عملیات منطقه‌ای، نقش خود را در معادلات پیچیده سیاسی نظامی منطقه تثبیت کند و به یکی از قطب‌های مهم این عرصه بدل شود.

پامدهای این حملات از جمله افزایش قابل توجه نرخ‌های بیمه کشتی‌ها بود. شرکت‌های بیمه که با ریسک بالای عبور کشتی‌ها از این مناطق مواجه شدند، ناچار به افزایش چشمگیر هزینه‌ها شدند تا خطرات ناشی از این حملات را پوشش دهند. این افزایش هزینه‌ها به‌ویژه برای کشتی‌هایی که حامل کالاهای اساسی و انرژی بودند، فشارهای مالی سنگینی را بر شرکت‌ها وارد کرد. در واکنش به این تهدیدات، بسیاری از شرکت‌های کشتیرانی

برادران یمنی حالا هماهنگ‌تر با ایران ادامه می‌دهند

امین‌الاسلام تهرانی

حتی در برخی محافل غربی شد، به‌گونه‌ای که انصارالله از یک گروه شورشی محلی به نیرویی مشروع و تأثیرگذار با اهداف اخلاقی و سیاسی منطقه‌ای تبدیل گردید.

در کنار این تحولات، گزارش‌ها حاکی از طرح‌ریزی عملیات زمینی گسترده از سوی نیروهای نیابتی نزدیک به عربستان سعودی برای تصرف بندر الحدیده است که همزمان با حملات هوایی آمریکا به مناطق تحت کنترل انصارالله انجام می‌شود. تحلیل‌گران مستقل معتقدند که چنین حرکتی می‌تواند به یک جهنم واقعی برای سعودی‌ها در توبه جنوب تبدیل شود.

تاریخی و راهبردی بازیگرانی چون حزب‌الله در شمال سرزمین‌های اشغالی یا نقش کلیدی حماس برای سعودی‌ها در جبهه جنوب تبدیل شد. تجربه نبردهای انصارالله در ساحل غربی یمن و پشتیبانی مردمی گسترده‌ای که این گروه دارد، نشان‌دهنده آمادگی بالای آن برای مقابله با هرگونه حمله زمینی است و این موضوع می‌تواند معادلات جنگ را به‌شدت به نفع محور مقاومت تغییر دهد.

بازیگران سنتی مقاومت

از منظر راهبردی، هرچند انصارالله نسبت به بازیگران قدیمی محور مقاومت همچون حزب‌الله لبنان، حماس فلسطین و حشدالشعبی عراق تازه‌وارد به نظر می‌رسد، اما ویژگی‌های متمایز و منحصر به فرد آن، جایگاه این گروه را به عنوان یک مکمل حیاتی در ساختار کلی مقاومت تثبیت کرده است. این گروه‌ها هرکدام دارای تاریخچه‌ای طولانی، پشتوانه اجتماعی گسترده، تجربه میدانی غنی و نفوذ سیاسی منطقه‌ای عمیق هستند که سال‌ها در مقابله با رژیم صهیونیستی نقش آفرینی کرده‌اند. اما حضور انصارالله در یمن، بر پایه موقعیت جغرافیایی استراتژیک و قابلیت‌های نظامی خاص، ابعادی نو به این ساختار افزوده است که نمی‌توان آن را صرفاً به عنوان جانشینی برای گروه‌های سنتی تلقی کرد.

یکی از مهم‌ترین تغییرات، گسترش جغرافیایی محور مقاومت به سمت جنوب است؛ جایی که یمن به عنوان ضلع جنوبی این کمربند امنیتی، تهدیدی فراگیر و چندجانبه برای رژیم صهیونیستی به وجود آورده است. در حالی که تمرکز اصلی مقاومت پیش از این در شمال سرزمین‌های اشغالی و مرزهای لبنان و سوریه بود، انصارالله این محدوده را به جنوب گسترش داده و امکان ایجاد فشار همزمان از چند جبهه را فراهم آورده است. این جغرافیا و استراتژی جدید، عرصه عملیات نامتقارن را وسیع‌تر کرده و



دهه ۱۹۷۰ ستاریوی ناامن شدن آب‌های جنوب عربستان را جدی بگیرند و برنامه‌های لجستیکی خود را متناسب با این تهدیدات تنظیم کنند.

از سوی دیگر، تأثیر روانی حملات انصارالله بر فضای رسانه‌ای نیز غیر قابل انکار است. رسانه‌های صهیونیستی و غربی با پوشش گسترده فنی عملیات، ناگزیر به اعتراف به ارتقاء توانمندی فنی پیشرفته ساخت داخل و توانایی توسعه و تولید تجهیزات نظامی است که سطح توانمندی‌های این

گروه‌های مسلح یمن در جریان نبرد در استان مأرب.

صفحه ۸

پنجشنبه ۱۲ تیر ۱۴۰۴

۷ محرم ۱۴۴۷ – شماره ۲۳۸۹۷

مجبور شدند مسیرهای خود را به کلی تغییر داده و راه‌های طولانی‌تر و پُرهزینه‌تر، مانند عبور از دماغه امید نیک در جنوب آفریقا را در پیش گیرند که خود به افزایش هزینه‌های سوخت و طولانی‌تر شدن زمان تحویل کالاها منجر شد.

ایسن تغییرات نه‌تنها به افزایش هزینه‌های لجستیکی جهانی انجامید، بلکه اقتصاد کشورهای وابسته به تجارت دریایی را نیز تحت فشار قرار داد. به‌ویژه کشورهای که بخشی عمده‌ای از واردات و صادرات خود را از طریق این مسیرهای حیاتی انجام می‌دهند، آکنوسن با چالش‌هایی جدی در زمینه مدیریت زنجیره تأمین و تأمین کالاهای ضروری مواجه شده‌اند. این مسئله بار دیگر اهمیت استراتژیک موقعیت جغرافیایی یمن و نقش انصارالله در بازتعریف معادلات اقتصادی منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای را برجسته کرد.

در میان قربانیان اصلی این تحولات، رژیم صهیونیستی قرار دارد که بخش قابل توجهی از تجارت حیاتی خود را از مسیر دریای سرخ و

باب‌المندب تأمین می‌کند. حملات انصارالله به این مسیرهای حیاتی، اختلالات جدی در روند تجارت اسرائیل ایجاد کرده است. با توجه به ارتباطات تجاری گسترده تل آویو با کشورهای شرق آسیا و وابستگی شدید به واردات انرژی و کالاهای صنعتی، این حملات باعث شده‌اند که بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی فعال در حوزه حمل‌ونقل دریایی، همکاری‌های خود را با اسرائیل کاهش داده یا حتی متوقف کنند. این وضعیت، ضمن افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و بیمه، موجب کمبود منابع حیاتی و تأخیر در تأمین کالاهای اساسی برای اقتصاد اسرائیل شد؛ بحرانی که در شرایط جنگی غزه و تنش‌های داخلی، فشارهای مضاعفی را به این رژیم وارد کرد.

اما آثار اقتصادی ناشی از عملیات انصارالله محدود به اسرائیل نمی‌شود و پیامدهای گسترده‌تری برای اقتصاد جهانی به همراه داشته است. افزایش هزینه‌های بیمه، تغییر مسیرهای تجاری، طولانی‌تر شدن زمان حمل کالا و تحویل هزینه‌های اضافی به شرکت‌های حمل‌ونقل، همه از عواملی هستند که فشار مضاعفی بر کشورهای وابسته به تجارت دریایی وارد آورد‌اند. این شرایط پیچیده نشان‌دهنده قدرت تأثیرگذاری انصارالله در عرصه‌های اقتصادی و امنیتی است و این گروه را به یکی از بازیگران مهم در بازتعریف نظم نوین منطقه‌ای و جهانی تبدیل کرده است.

موروثی بر یک تحول تاریخی

جنبش صحرایی که در ابتدا با عنوان «جنبش الشباب المؤمن» شناخته می‌شد، در دهه ۱۹۹۰ میلادی در استان صعده، واقع در شمال یمن، شکل گرفت. این گروه پاسخی بود به روند رو به رشد ضعف هویت دینی-فرهنگی زیدی‌ها و گسترش تأثیر رشدیابند لوزوی وهابی، همراه با سیاست‌های اقتصادی و سیاسی تبعیض‌آمیزی که دولت مرکزی یمن اعمال می‌کرد. بنیان‌گذاران این جنبش به‌ویژه شهید حسین بردال‌الدین الحوثی، با تحلیل عمیق ریشه‌های تاریخی و شرایط اجتماعی منطقه، تلاش کردند تا هویتی مستقل مبتنی بر مقاومت و حفظ فرهنگ زیدی را بازسازی کنند و بدین ترتیب پاسخی منسجم به فشارهای سیاسی و فرهنگی ارائه دهند.

در نخستین سال‌های شکل‌گیری، فعالیت انصارالله عمدتاً در حوزه‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی متمرکز بود و مناطق کوهستانی شمال یمن را به عنوان پایگاه خود برگزید. اما با آغاز قرن بیست‌ویکم و افزایش سرکوب‌ها از سوی رژیم علی عبدالله صالح، این جنبش مسیر خود را به سمت مقاومت مسلحانه تغییر داد. طی شش نبرد پیاپی بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰، انصارالله نه‌تنها تجربه نظامی گسترده‌ای به دست آورد بلکه توانست شبکه‌ای قوی از حمایت‌های مردمی را در شمال کشور شکل دهد و جایگاه خود را در ساختار اجتماعی-سیاسی یمن تقویت کند.

انقلاب ۲۰۱۱ که به سرنگونی رژیم صالح انجامید، فضای خلأ قدرتی را به وجود آورد که انصارالله از آن بهره برد تا نفوذ خود را فراتر از مناطق شمالی گسترش دهد. در سال ۲۰۱۴، این گروه به همراه تعدادی از گروه‌های مخالف دولت وحدت ملی، وارد صنعا پایتخت شد و کنترل بخش‌های اقتصادی کلیدی را به دست گرفت. برخلاف تصور بازیگران خارجی که این حرکت را موقتی یا ضعیف ارزیابی می‌کردند، انصارالله توانست ساختارهای حکومتی را بازسازی کرده و نظام اداری را سازمان‌دهی کند؛ امری که نشان از بلوغ سیاسی و توانمندی مدیریتی این جنبش داشت. در مارس ۲۰۱۵، ائتلافی به رهبری عربستان سعودی با هدف بازگرداندن دولت مستقر عدیره منصوره‌ای، عملیات نظامی «طوفان پاک‌سازی» را آغاز کرد، اما برخلاف انتظار سریع برای شکست انصارالله، این گروه مقاومت قوی نشان داد و حتی در جبهه‌های مختلف پیشروی کرد و پایه‌های مردمی خود را در سراسر یمن گسترش داد. این تحولات نشانه تغییر ماهیت انصارالله از یک نیروی محلی شبه‌نظامی به یک قدرت سیاسی نظامی مؤثر بود که ساختارهای حکومتی، رسانه‌ای و دفاعی مستقل خود را ایجاد کرده است.

در طول هشت سال جنگ مداوم، انصارالله از یک جنبش محلی به بازیگری برجسته تبدیل شد که با ترکیب فناوری‌های نوین پهپادی، توسعه صنایع دفاعی بومی، و استفاده از تاکتیک‌های پیچیده جنگ نامتقارن، توانسته است تهدیدی استراتژیک برای کشورهای منطقه به‌خصوص عربستان سعودی، امارات و رژیم صهیونیستی باشد. این گروه نه‌تنها از منظر نظامی بلکه از لحاظ سیاسی و اجتماعی نیز جایگاه خود را به عنوان یک نیروی کلیدی منطقه‌ای تثبیت کرده است. بدین‌ترتیب، انصارالله امروز بیش از یک گروه یمنی محلی، به بازیگر ژئوپلیتیکی فعال و تأثیرگذار در غرب آسیاست که توانسته است با بومی‌سازی قدرت، حفظ هویت فرهنگی و مدیریتی هوشمندانه عملیات منطقه‌ای، نقش خود را در معادلات پیچیده سیاسی نظامی منطقه تثبیت کند و به یکی از قطب‌های مهم این عرصه بدل شود.